

مقایسه رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و متغیر خود پنداره با سبک‌های مقابله‌ای در دانشجویان دختر و پسر مؤسسه آموزش عالی ارم شیراز

رویا طاهری^{۱*}، کرامت اله زندی قشقایی^۲، نازنین هنرپروران^۳

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه مشاوره، ^۲ دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، دانشکده پیراپزشکی،
گروه اتاق عمل، ^۳ دانشگاه آزاد اسلامی واحد استهبان، دانشکده علوم انسانی، گروه مشاوره

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به اینکه افراد در برخورداری از سبک‌های مقابله با استرس متفاوت می‌باشند، هدف این مطالعه مقایسه رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و متغیر خود پنداره با سبک‌های مقابله‌ای در دانشجویان دختر و پسر مؤسسه آموزش عالی ارم شیراز بود.

روش بررسی: در این مطالعه همبستگی تعداد ۲۳۴ نفر از دانشجویان مؤسسه آموزش عالی ارم شیراز به روش تصادفی ساده در سال ۹۰-۸۹ انتخاب شدند. از این تعداد ۲۲۹ نفر (۹۱ پسر و ۱۱۹ دختر) به سئوالات سه پرسشنامه ابزار تجدید نظر شده الگوهای ارتباطی خانواده کوئرنرو فیتزپاتریک، پرسشنامه خود پنداره مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا، اندلر و پارکر پاسخ دادند. داده‌ها با آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون و تی مستقل مورد تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و خود پنداره با مؤلفه‌های سبک‌های مقابله‌ای در دو گروه دانشجویان دختر و پسر رابطه معنی‌داری وجود داشت. در گروه دختران سبک‌های مقابله‌ای مسأله مدار و سبک مقابله اجتنابی با متغیر گفت و شنود و سبک مقابله‌ای هیجان مدار با متغیر هم‌نوایی دارای رابطه مثبت و معنی‌داری بود ($p < 0/05$). در گروه پسران سبک مقابله اجتنابی با متغیر گفت و شنود و سبک مقابله هیجان مدار با متغیر هم‌نوایی دارای رابطه مثبت و معنی‌داری بود. همچنین در ارتباط با متغیر خودپنداره نتایج نشان داد که این متغیر در گروه دختران با سبک مقابله‌ای مسئله مدار و سبک مقابله اجتنابی رابطه مثبت و معنی‌داری بود، اما در گروه پسران، متغیر خودپنداره تنها با متغیر سبک اجتنابی دارای رابطه مثبت و معنی‌داری بود ($p < 0/05$). همچنین در سبک مقابله‌ای هیجان مدار تفاوت معنی‌داری بین دو گروه دختران و پسران مشاهده شد، به این ترتیب که در گروه دختران سبک مقابله هیجان مدار ($51/48$) بیشتر از نمره این سبک در گروه پسران ($48/18$) بود ($p < 0/05$).

نتیجه‌گیری: الگوهای ارتباطی خانواده و خودپنداره در ایجاد سبک‌های مقابله‌ای اثر بخش است، بنابراین شیوه‌های آموزش و ارتقاء متغیرهای یاد شده در خانواده‌ها، به خصوص برای جوانان ضروری و لازم است.

واژه‌های کلیدی: الگوی ارتباطی خانواده، خودپنداره، سبک مقابله‌ای

* نویسنده مسئول: رویا طاهری، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه مشاوره

مقدمه

امروزه دانش بشر از تأثیر استرس و اضطراب به عنوان عامل مهم در بروز بیماری‌هایی همچون سکته‌های قلبی و مغزی، سرطان و غیره یاد می‌کند و می‌توان رد پای استرس را در اغلب بیماری‌های جسمی و روانی مشاهده کرد (۱). از آنجا که بهره‌مندی افراد از سبک‌های مقابله با استرس، عامل بسیار مهم در بر خورداری آنها از زندگی با کیفیت برتر می‌باشد و عدم بهره‌مندی از سبک‌های مقابله‌ای در افراد باعث بروز اختلال کارکردی در جسم و روان آنها می‌شود، لذا استفاده از شیوه‌های پیشگیرانه و دانش و آگاهی نسبت به مهارت‌ها و شیوه‌های مقابله با استرس اهمیت زیادی می‌یابد که می‌تواند بر سرنوشت انسان تأثیر بسزایی بگذارد. بی‌شک عواملی چون، الگوهای ارتباطی خانواده و خودپنداره افراد در پیدایش آن سبک‌ها نقش بسزایی خواهد داشت. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد تا به نقشی که این گونه عوامل در بروز سبک‌های مقابله با استرس ایفا می‌کنند پرداخته شود.

یکی از مدل‌های مطرح در خانواده که به تعاملات در خانواده و نقش آن در سازگاری مؤثر با محیط پرداخته است، مدل الگوی ارتباطی خانواده است. اصولاً مفهوم الگوی ارتباطی خانواده با طرح‌واره‌های ارتباط خانواده بر اساس این که اعضاء چه چیز به یکدیگر می‌گویند و چه کار انجام می‌دهند و این که چه معنا و منظوری از این ارتباطات دارند، تعریف می‌شود (۱). مطالعات خانواده امروز بیشتر در

جهت این موضوع است که چگونه افرادی در برخورد با عوامل استرس‌زا توان مقابله و مقاومت را دارا هستند و خانواده بر این توانایی اساسی افراد اثر می‌گذارد (۲). الگوی ارتباطات خانوادگی شامل دو بعد زیر بنایی جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی می‌باشد. در جهت‌گیری گفت و شنود همه اعضای خانواده به طور آزادانه و راحت درباره بسیاری از مسایل به بحث و گفتگو و تبادل نظر می‌پردازند و در جهت‌گیری هم‌نوایی، تأکید بر هم‌سانی نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید اعضای خانواده می‌باشد (۳). سازه دیگری که می‌تواند در بروز سبک‌های مقابله‌ای در افراد تأثیرگذار باشد، خودپنداره است. خودپنداره را می‌توان درک فرد از خودش دانست که در نتیجه تجربیات فرد با محیط و رابطه او با دیگران شکل می‌گیرد (۴). هم‌چنین خودپنداره فرد ممکن است از خیلی ضعیف یا منفی تا خیلی قوی یا مثبت تغییر یابد، افرادی که خود پنداره مثبت دارند احساس کفایت کرده و در انطباق و سازگاری با دنیای پیرامون خویش تواناتر بوده‌اند (۵). خودپنداره برای متخصصان بهداشت روان اهمیت خاصی دارد، زیرا پندار فرد از شخصیت خود تا اندازه‌ای زیاد تصور او را راجع به محیطش تعیین می‌کند. اگر تصور از خود مثبت و نسبتاً متعادل باشد، شخص دارای سلامت روانی است و اگر به عکس، خود پنداره شخص منفی و نا متعادل باشد، او از لحاظ روانی ناسالم شناخته می‌شود (۶).

سازه دیگری که از الگوهای ارتباطی خانواده و خود پنداره تأثیر می‌پذیرد سبک‌های مقابله است. سبک‌های مقابله، فرآیندی است که به وسیله آن افراد مسائل ناشی از استرس و هیجان منفی ایجاد شده را تحت کنترل خود در می‌آورند و به طور کلی، به تلاش‌های شناختی و رفتاری برای جلوگیری، مدیریت و کاهش تنیدگی اطلاق می‌شود (۷). براساس تئوری‌های روان شناختی، سبک‌های مقابله‌ای نقش مهمی در کاهش استرس و در نتیجه سلامت عمومی افراد دارند (۸). اندلر و پارکر^(۱) (۱۹۹۰)، سه نوع سبک مقابله مسئله مدار^(۲)، هیجان مدار^(۳) و سبک اجتنابی^(۴) را مطرح کردند. در سبک مقابله مسئله مدار فرد متمرکز بر مسئله است. در این سبک فرد به جمع آوری اطلاعات مربوط به حادثه فشار را می‌پردازد و با ارزیابی منابع در دسترس خود، طرح و برنامه‌ای آماده می‌کند. مقابله هیجان مدار بر کنترل هیجان‌ات و واکنش‌های عاطفی تأکید می‌کند، افراد در این سبک، با برخورد هیجانی و با گریه کردن، عصبانی شدن و فریاد زدن با فشار روانی مقابله می‌کنند. در سبک مقابله اجتنابی، فرد سعی در دور شدن از موقعیت فشار آور دارد و با فاصله گرفتن از مشکل، اقدام به فرار و اجتناب کرده و برای دریافت حمایت عاطفی تلاش می‌کند (۹). داعی‌پور (۱۹۹۸) معتقد است که به کارگیری راهبردهای نامناسب در رویارویی با عوامل فشارزا می‌تواند موجب افزایش مشکلات گردد، در حالی که به کارگیری راهبرد درست مقابله‌ای می‌تواند پیامدهای سودمندی در پی داشته باشد (۱۰).

با توجه به مطالب ذکر شده و از آنجا که سبک‌های مقابله با استرس در دو گروه دختران و پسران به دلیل تفاوت‌های شخصیتی دو جنس احتمالاً متفاوت از یکدیگر می‌باشد، هدف این مطالعه مقایسه رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و متغیر خود پنداره با سبک‌های مقابله‌ای در دانشجویان دختر و پسر مؤسسه آموزش عالی ارم شیراز بود.

روش بررسی

در این مطالعه همبستگی، جامعه آماری دانشجویان دختر و پسر مشغول به تحصیل در مؤسسه آموزش عالی ارم شیراز در سال ۱۳۸۹-۱۳۹۰ به تعداد ۶۰۰ نفر بودند که در مقطع کاردانی و کارشناسی رشته‌های هنری تحصیل می‌نمودند. از این تعداد ۲۳۴ نفر بر اساس جدول مورگان به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. از این تعداد ۲۲۹ نفر (۱۱۹ دختر و ۹۱ پسر) به سؤالات به طرز صحیح پاسخ‌گو بودند. به منظور رعایت حقوق شرکت کنندگان در این پژوهش به دانشجویان یادآوری شد که از نوشتن هرگونه نام و مشخصات فردی خودداری شود. همچنین محرمانه بودن پاسخ‌ها مورد تأکید قرار گرفت که این مطلب باعث جلب اعتماد دانشجویان در پاسخگویی گردید.

1-Endler & Parker
2-Task Oriented Coping
3-Emotion Oriented Coping
4-Evoidance Oriented Coping

به منظور گردآوری اطلاعات از سه مقیاس سنجش استفاده شد؛ ابزار تجدید نظر شده الگوهای ارتباطی خانواده^(۱) که به وسیله کوئرنروفیتز پاتریک (۲۰۰۲) طراحی شد که شامل دو خرده مقیاس جهت‌گیری گفت و شنود و هم‌نوایی بوده و دارای ۲۶ گویه است که در دامنه ۵ درجه‌ای لیکرت، آزمودنی را مورد سنجش قرار می‌دهد که در ایران کوروش‌نیا و لطیفان (۲۰۰۷) نسخه فارسی مقیاس و روایی آن را مطلوب و ضریب آلفای کرونباخ برای جهت‌گیری گفت و شنود و هم‌نوایی را به ترتیب برابر با ۰/۸۷ و ۰/۸۱ گزارش کرده‌اند (۱۱). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه برای متغیر گفت و شنود ۰/۹۲ و برای متغیر هم‌نوایی ۰/۸۹ به دست آمد.

جهت سنجش خودپنداره از پرسشنامه خودپنداره^(۲) که به وسیله بک (۱۹۹۰) ساخته شد، استفاده گردید. این پرسشنامه دارای چهار خرده مقیاس است که چهار بعد روابط اجتماعی، توانایی ذهنی، جذابیت فیزیکی و مسائل اخلاقی را در افراد در دامنه ۵ درجه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار می‌دهد که شامل ۲۵ گویه می‌باشد و این مقیاس در ایران از نظر اعتبار و روایی مورد سنجش قرار گرفت و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۵ به دست آمد (۱۲). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای خودپنداره کلی ۰/۸۴ و برای مؤلفه‌های روابط اجتماعی ۰/۵۸، توانایی ذهنی ۰/۷۶، جذابیت فیزیکی ۰/۷۷ و مسائل اخلاقی ۰/۶۴ به دست آمد.

به منظور سنجش سبک‌های مقابله‌ای از پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا^(۳) که به وسیله اندلر و پارکر (۱۹۹۰) جهت بررسی سه شیوه مقابله با استرس طراحی گردیده، استفاده شد که سه سبک مقابله‌ای مسأله مدار، هیجان مدار و اجتنابی را در افراد براساس مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت اندازه‌گیری می‌کند و شامل ۴۸ گویه می‌باشد و در ایران، نجاتی بیاره (۲۰۰۸) ضریب پایایی برای سبک‌های مسأله مدار، اجتنابی و هیجان مدار را به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۷۳ و ۰/۷۸ به دست آورد (۱۳) و در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه برای سبک مسأله مدار ۰/۸۶، سبک هیجان مدار ۰/۸۲ و سبک اجتنابی ۰/۸۲ به دست آمد.

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS^(۴) و آزمون‌های آماری ضریب پیرسون^(۵) و تی مستقل^(۶) تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان $19/73 \pm 2/98$ سال بود.

بر اساس نتایج حاصله میانگین و انحراف معیار نمرات آزمودنی‌ها در سبک مقابله‌ای

1-Revised Family Communication Pattern (RFCP)
2-Self Concept Test (SCT)
3-Coping Inventory for Stressfull Situation
4- Statistical Package for Social Sciences
5-Pearson
6- Independent T-Test

متغیرهای سبک مسأله مدار ($r = 0/41$) و ($p < 0/001$) و سبک اجتنابی ($r = 0/27$ و $p < 0/001$) دارای رابطه مثبت و معنی داری بود، اما در گروه پسران متغیر خودپنداره تنها با متغیر سبک اجتنابی ($r = 0/30$ و $p < 0/001$) دارای رابطه مثبت و معنی داری بود (جدول ۴).

با توجه به نتایج حاصله تفاوت معنی داری در نمره متغیر سبک هیجان مدار در دو گروه دختران و پسران وجود داشت، به این ترتیب که نمره این متغیر در گروه دختران ($51/48$) بیشتر از نمره این متغیر در گروه پسران ($48/18$) بود ($p < 0/05$) (جدول ۵).

بحث

بر اساس تئورهای روان شناختی، سبک های مقابله ای نقش مهمی در کاهش استرس و در نتیجه سلامت عمومی افراد دارند (۱-۵). هدف این مطالعه مقایسه رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و متغیر خود پنداره با سبک های مقابله ای در دانشجویان دختر و پسر مؤسسه آموزش عالی ارم شیراز بود.

مسأله مدار در دختران $9/13 \pm 59/19$ ، در سبک مقابله ای اجتنابی $10/25 \pm 52/09$ و خودپنداره $9/98 \pm 84/28$ دارای بیشترین مقادیر می باشند و در پسران در سبک مقابله ای مسأله مدار میانگین $8/22 \pm 59/31$ ، در سبک مقابله ای اجتنابی $10/6 \pm 51/39$ و در خودپنداره $15/85 \pm 82/73$ دارای بیشترین مقادیر می باشند (جدول ۱).

نتایج نشان داد، در دو گروه دختران و پسران سبک مقابله ای مسأله مدار و اجتنابی با جهت گیری گفت و شنود و سبک مقابله ای هیجان مدار با جهت گیری هم نوایی رابطه مثبت و معنی داری و متغیر خودپنداره با سبک مقابله ای اجتنابی دارای رابطه مثبت و معنی داری است ($p < 0/05$) (جدول ۲).

متغیر گفت و شنود در گروه دختران با متغیرهای سبک مسأله مدار و سبک اجتنابی و در گروه پسران تنها با متغیر سبک اجتنابی دارای رابطه مثبت و معنی داری بود ($p < 0/05$). همچنین متغیر هم نوایی در هر دو گروه تنها با متغیر سبک هیجان مدار دارای رابطه مثبت و معنی داری بود ($p < 0/05$) (جدول ۳).

با توجه به نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون متغیر خود پنداره در گروه دختران با

جدول ۱: مقایسه میانگین و انحراف معیار نمرات الگوهای ارتباطی خانواده در دانشجویان دختر و پسر

متغیر گروه	مسأله مدار	هیجان مدار	اجتنابی	خود پنداره	روابط اجتماعی	توانایی ذهنی	جذابیت فیزیکی	مسائل اخلاقی	گفت و شنود	هم نوایی
دختر	$9/13 \pm 59/19$	$10/25 \pm 51/48$	$10/25 \pm 52/09$	$9/98 \pm 84/28$	$2/59 \pm 0/56$	$3/66 \pm 0/64$	$2/73 \pm 0/54$	$2/21 \pm 0/68$	$3/52 \pm 0/91$	$2/52 \pm 1/09$
پسر	$8/22 \pm 59/31$	$9/44 \pm 48/18$	$10/6 \pm 51/39$	$15/85 \pm 82/73$	$3/50 \pm 0/66$	$3/59 \pm 0/69$	$3/75 \pm 0/65$	$3/15 \pm 0/59$	$3/22 \pm 0/88$	$2/85 \pm 0/80$

جدول ۲: مقایسه ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه در گروه دختران و پسران

گروه	متغیر	مسأله مدار	هیجان مدار	اجتنابی	خود پنداره	گفت و شنود	همنویایی
دختر:	مسأله مدار	۱					
	هیجان مدار	-۰/۱۳	۱				
	اجتنابی	۰/۲۴*	۰/۲۴*	۱			
	خود پنداره	۰/۴۱*	-۰/۰۷	۰/۲۷*	۱		
	گفت و شنود	۰/۳۰*	-۰/۱۳	۰/۲۴*	۰/۲۳*	۱	
	همنویایی	۰/۰۴	۰/۲۲*	۰/۰۶	۰/۰۷	-۰/۴۶*	۱
پسر:	مسأله مدار	۱					
	هیجان مدار	۰/۲۳	۱				
	اجتنابی	۰/۴۷*	۰/۱۳	۱			
	خود پنداره	۰/۳۷*	۰/۱۰	۰/۳۰*	۱		
	گفت و شنود	۰/۲۱	-۰/۱۰	۰/۳۲*	-۰/۰۳	۱	
	همنویایی	-۰/۰۵	۰/۳۶*	۰/۰۱	-۰/۲۱	-۰/۲۵*	۱

* < ۰/۰۵ سطح معنی داری

جدول ۳: مقایسه ماتریس همبستگی بین الگوهای ارتباطی خانواده با سبک‌های مقابله‌ای در دانشجویان دختر و پسر

گروه	متغیر	گفت و شنود		همنویایی	
		ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری
دختر:	سبک مسأله مدار	۰/۳۰*	۰/۰۰۰	۰/۰۴	۰/۷۴
	سبک هیجان مدار	-۰/۱۴	۰/۲۰	۰/۲۲*	۰/۰۳۷
	سبک اجتنابی	۰/۲۴*	۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۵۸
پسر:	سبک مسأله مدار	۰/۲۱	۰/۰۸	-۰/۰۵	۰/۶۹
	سبک هیجان مدار	-۰/۱۰	۰/۴۲	۰/۳۶*	۰/۰۰۵
	سبک اجتنابی	۰/۳۲*	۰/۰۰۹	۰/۰۱	۰/۹۶

* < ۰/۰۵ سطح معنی داری

جدول ۴: مقایسه ماتریس همبستگی بین متغیر خود پنداره با سبک‌های مقابله‌ای در دانشجویان دختر و پسر

گروه	متغیر	سبک مسأله مدار		سبک هیجان مدار		سبک اجتنابی	
		ضریب همبستگی	سطح معنی داری	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
دختر:	خودپنداره	۰/۴۱*	۰/۰۰۱	-۰/۰۷	۰/۴۸	۰/۲۷*	۰/۰۰۷
پسر:	خودپنداره	۰/۳۷	۰/۰۰۱	۰/۱۰	۰/۴۰	۰/۳۰*	۰/۰۰۸

* < ۰/۰۵ سطح معنی داری

جدول ۵: مقایسه میانگین و انحراف معیار نمرات سبک‌های مقابله‌ای در دو گروه دختران و پسران

متغیر وابسته	گروه	انحراف معیار ± میانگین	آماره تی	درجه آزادی	سطح معنی داری
سبک مسأله مدار:	دختر	۵۹/۱۹ ± ۹/۱۳	۰/۰۹	۱۷۵	۰/۹۳
	پسر	۵۹/۳۱ ± ۸/۲۲			
سبک هیجان مدار:	دختر	۵۱/۴۸ ± ۱۰/۲۵	۲/۲۱	۱۷۶	۰/۰۲۸
	پسر	۴۸/۱۸ ± ۹/۴۳			
سبک اجتنابی:	دختر	۵۲/۰۹ ± ۱۰/۲۵	۰/۴۴	۱۷۷	۰/۶۶
	پسر	۵۱/۳۹ ± ۱۰/۰۶			

از وقوع استرس و رسیدن به آرامش موقت و به تعویق انداختن حل مسأله دارند (۱۴).

همچنین در تبیین یافته وجود رابطه معنی داری و مثبت جهت گیری گفت و شنود خانواده و سبک مقابله ای اجتنابی، می توان اظهار کرد که اگر مسأله گشایی (مقابله مسأله مدار) مؤثر واقع نشد، افراد به مقابله اجتنابی می پردازند که درونی و شخصی است و هدف آن کنترل ناراحتی در مواقعی است که کار چندان از دست فرد بر نمی آید و از طریق اجتناب کردن از موقعیت استرس زا به شیوه های مختلف از برخورد و پرداختن به مشکل، کناره گیری می کنند و این موضوع نمی تواند جهت گیری گفت و شنود خانواده را نقض نماید، چرا که افرادی که در خانواده های آنها جهت گیری گفت و شنود حکم فرماست، با تکیه بر جو خانوادگی گرم و پذیرا و حمایت گر، در صورتی که قادر به حل مسأله و بحران به وجود آمده نباشند، تا مدتی به صورت انفعالی عمل کرده و از طریق اجتناب کردن از موقعیت استرس زا به طور موقتی، حل مشکل را به زمانی مناسب تر موکول می نمایند تا در زمان مقتضی با آرامش بیشتر به مسأله گشایی بپردازند و این شاید به آن دلیل است که در برخی مواقع، شرایط و امکانات لازم برای حل مشکل وجود ندارد و در واقع فرد، هر آنچه که تلاش در برطرف کردن مشکل نماید، موقعیت به گونه ای است که نمی تواند کاری از پیش ببرد (۱۴). در پاسخ به این که چرا دختران در خانواده های با گفت و شنود بالا از سبک مقابله ای مسأله مدار و اجتنابی استفاده

مطالعه حاضر نشان داد که بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و خود پنداره با سبک های مقابله ای در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی داری وجود دارد و سبک های مقابله ای مسأله مدار و اجتنابی در دانشجویان دختر و سبک مقابله ای اجتنابی در دانشجویان پسر با متغیر گفت و شنود و سبک مقابله ای هیجان مدار با متغیر هم نوایی در هر دو گروه دانشجویان دختر و پسر رابطه مثبت و معنی داری دارد. در تبیین این یافته می توان این گونه گفت که در دانشجویانی که خانواده های آنها با فرزندان خود به طور مکرر و آزاد بدون هیچ محدودیتی به ارتباط و تعامل با یکدیگر می پردازند و افراد خانواده در بیان افکار و احساساتشان و تصمیم گیری ها آزادی بیان داشته و به طور مشترک عمل می نمایند، در برخورد با موقعیت های استرس زا در زندگی از سبک مقابله ای مسأله مدار استفاده می نمایند، بدین معنی که بر مسئله متمرکز شده و سعی در برطرف و حل نمودن آن دارند. همچنین در تبیین رابطه بین هم نوایی و سبک مقابله ای هیجان مدار، می توان اظهار کرد، در خانواده های که جهت گیری هم نوایی در آنها حکم فرماست و بر هم نوایی عقاید و نگرش ها و اطاعت از والدین و عدم ارتباط و تعامل باز تأکید می کنند، دارای فرزندی می باشند که در برخورد با تنش ها و فشارهای زندگی به صورت هیجانی رفتار نموده و با گریه کردن، فریاد زدن، عصبانی شدن و رفتارهای شبیه آن به تخلیه هیجانی خود پرداخته و تلاش بر رها سازی خود از آشفتگی ها و پریشانی های حاصل

می‌نمایند و پسران در چنین خانواده‌هایی فقط از سبک مقابله اجتنابی استفاده می‌نمایند، شاید به این دلیل باشد که پسران در مواجهه با مشکلات و بحران‌های زندگی در گام نخست به خاطر بر هم نوردن آرامش آنی خود سعی بر کناره‌گیری و اجتناب از برخورد بامشکل به وجود آمده می‌نمایند، ولی دختران به دلیل پیگیری و چاره‌جویی که در امور از خود نشان می‌دهند، در ابتدا سعی در برطرف کردن بحران به وجود آمده می‌نمایند و در صورتی، از حل مشکل کناره‌گیری می‌نمایند که شرایط برای حل آن فراهم نباشد (۱۴).

در رابطه با این که بین متغیر خودپنداره و مؤلفه‌های سبک‌های مقابله‌ای رابطه معنی‌داری وجود داشت، نتایج این گونه نشان می‌دهد که متغیر خودپنداره در گروه دختران دارای رابطه مثبت و معنی‌داری با سبک مقابله‌ای مسأله مدار و اجتنابی می‌باشد که در تبیین این یافته می‌توان این گونه بیان کرد، دانشجویان دختری که از خودپنداره مثبت برخوردارند، دارای سلامت روانی بیشتر و احساس کفایت برتر می‌باشند و در انطباق و سازگاری با دنیای پیرامون خویش تواناتر بوده و در کل دارای احساساتی مثبت و ارزشمند نسبت به خود هستند که برخورداری از همین احساسات مثبت نسبت به خود، عملکرد آنها را در برخورد با مشکلات و تنش‌های زندگی بهبود می‌بخشد و کارآیی آنها را افزایش می‌دهد که این موضوع خود موجب می‌شود، آنها در برخورد با استرس‌های زندگی در مواقع مقتضی از

سبک مقابله‌ای مسأله مدار و در مواقعی دیگر که سبک مسأله مدار کارساز نیفتد از سبک مقابله‌ای اجتنابی برای رسیدن به آرامش موقت و موکول کردن حل مسأله به زمانی مناسب، استفاده نمایند (۱۴).

در تبیین یافته وجود رابطه معنی‌داری مثبت بین متغیر خودپنداره و سبک مقابله اجتنابی در میان دانشجویان پسر می‌توان این گونه بیان کرد که دانشجویان پسر، حتی با وجود برخورداری از خودپنداره مثبت و قوی در برخورد با مسایل و استرس‌های زندگی اغلب از سبک مقابله اجتنابی استفاده می‌نمایند، بدین معنا که به منظور برهم نوردن آرامش آنی خود حل مسأله را به زمانی دیگر موکول می‌کنند و صبر و حوصله بیشتری از خود نشان می‌دهند و از برخورد و مواجهه با مسأله به وجود آمده تا حد امکان خودداری می‌نمایند و شاید این به دلیل عدم حساسیت و پیگیری پسران نسبت به دختران باشد، چرا که پسران به راحتی از روی مسایل گذشته و با سهل گرفتن و جدی نگرفتن امور حتی در برخورد با سخت‌ترین بحران‌های زندگی منفعلانه و بی‌تفاوت عمل می‌نمایند، در صورتی که دختران با جدی گرفتن امور، سرسختانه و با سماجتی بیشتر و مو شکافانه تر تلاش در برطرف‌سازی مسأله و بحران به وجود آمده دارند و می‌توان گفت از چاره‌جویی بیشتری نسبت به پسران برخوردارند (۱۴).

بر اساس نتایج مطالعه حاضر، در سبک مقابله‌ای هیجان مدار در دو گروه دختران و پسران

راحت را در باره طیف وسیعی از موضوعات با فرزندان خود فراهم نمایند و از هر گونه تحمیل عقاید و نگرش‌های خود به فرزندان و مجبور ساختن آنها به پیروی در پذیرش بی‌چون و چرای قواعد خانواده بپرهیزند، چرا که تبعات آسیب‌رسان آن بیشتر از منافع آن می‌باشد. همچنین خانواده‌ها می‌توانند با تقویت خودپنداره مثبت و عزت نفس در فرزندان خود، آنها را در جهت برخورداری از سبک‌های مقابله‌ای کارآمد یاری رسانده و با این عمل از بروز آسیب‌های جسمی و روانی که در اثر برخورد نادرست با موقعیت‌های استرس‌زا حاصل می‌شود، جلوگیری نمایند.

تقدیر و تشکر

این مطالعه حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره مصوب دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت بود.

تفاوت معنی‌داری وجود دارد، به این ترتیب که نمره این متغیر در گروه دختران بیشتر از نمره این متغیر در گروه پسران می‌باشد، در صورتی که در سبک مقابله‌ای مسأله مدار و اجتنابی در دو گروه دختران و پسران تفاوت معنی‌داری یافت نشد و این پژوهش با پژوهش انجام شده به وسیله نجاتی بیاره (۲۰۰۸) ناهم‌سو بود (۱۳). شاید نتایج به دست آمده از این یافته مبین آن باشد که دختران در مقایسه با پسران، به دلیل داشتن عواطف و احساساتی سرشار و عدم بازداری خود در بروز آنها، در موقعیت‌های استرس‌زا به طور هیجانی واکنش نشان می‌دهند و با انجام اعمال و رفتارهای مختلف به تخلیه هیجانی خود می‌پردازند تا شاید به طور موقت از فشار روانی استرس در آن موقعیت رها گردند و البته بعد از تخلیه نمودن هیجانات منفی خود با توان بیشتری به کنار آمدن و برطرف‌سازی مشکل می‌پردازند، ولی در گروه پسران شاید به خاطر این باشد که آنها از ابتدا و اوان کودکی در ابراز احساسات و هیجانات خود، متحمل بازداری‌هایی از طرف والدین و اطرافیان شده‌اند و در برخورد با موقعیت‌های استرس‌زا به میزان کمتری قادر به بروز واکنش هیجانی هستند.

نتیجه‌گیری

می‌توان نتیجه گرفت که اگر خانواده‌ها خواستار بروز سبک‌های مقابله‌ای کارآمد در فرزندان‌شان می‌باشند، باید در ارتباطات و تعاملات خود با آنها، انعطاف‌پذیر بوده و شرایط گفت و گوی

REFERENCES:

1. Korner A, Fitzpatrick MA. Understanding family communication patterns and family functioning : The roles of conversation orientation and conformity orientation. *Communication Yearbook* 2002; 26: 37-69.
2. Fitzpatrick MA. The Family communication patterns theory observations on its development and application. *The Journal of Family Communication* 2004; 4: 167-79.
3. Fitzpatrick MA, Ritchie LD. Communication schemata within the family: Multiple perspectives on family in interaction. *Human Communication Research* 1994; 20: 27-301.
4. Rinn AN, Cunningham LG. Using self-concept instruments with High ability college students: reliability and validity evidence. *Gifted Child Quarterly* 2008; 52(3): 232-42.
5. Carven R. The structure and development of young children's concept and relation to academic achievement. Educational information with the personal Thuch. Eric No, ED 443522. Publication type; 2000; 143-50.
6. Hoseinia A. Marriage mental health and married. 1ST ed. Publications: Tehran; 2001; 56.
7. Penley JA, Tomaka J. Associations among the big five emotional responses and coping with acute stress. *Personality and Individual Differences* 2002; 32(7): 1215-28.
8. Barbara SR, Irwin SG. *Abnormal psychology*. Najarian B, Asghari Moghadam A, Dehghani M (editors). Tehran: Roshd Pub; 2008
9. Endler ND, Parker JD. Multidimensional assessment of coping: A critical evaluation. *Journal of Personality and Social Psychology*; 1990; 58(5): 844-54.
10. Daei poor P. A pilot scale study of coping in adolescents students in Tehran. M A thesis in clinical psychology. Tehran Psychiatric Institute 1998;
11. Kooroshnia M, Lotfian M. Validity and reliability of revised family communication patterns. *Journal of Family Research* 2007; 12: 855-75.
12. Namyar M. A pilot study of feasibility, reliability, validity and Beck self-concept test norm for high school students in Tehran. M.A Thesis of General Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences. Allameh Tabatabai University, 1996.
13. Nejati biareh A. The relationship between parenting style and parental coping style in Dena city high school students. General Psychology MA thesis Marvdasht University, 2008.
14. Taheri Roya, relationship between family communication patterns and self-concept with coping styles in Eram academic students of higher education institution. counseling M.A Thesis of Islamic Azad University of Marvdasht; 2012 ; 64-71

The Comparison of Relationship between Family Communication Patterns and Self Concept with Coping Styles in Male and Female Students

Taheri R^{1*}, Zandi ghashghaei K², Honarparvaran N³

¹Department of Consulting, Faculty of Education & Psychology, Islamic Azad University of Marvdasht, Marvdasht, Iran, ²Department of Operation Room, Faculty of Para Medicine, Yasuj University of Medical Sciences, Yasuj, Iran, ³Department of Consulting, Faculty of Humanities, Islamic Azad University of Estahban, Estahban, Iran

Received: 15 Feb 2012 Accepted: 12 Jun 2012

Abstract

Background & Aim: Since people have different coping styles, the purpose of the present research was to compare the relationship between family communication patterns and self-concept with coping styles among male and female students of Eram Higher Education Institution in Shiraz.

Methods: In the present correlation study conducted in 2011 at Eram Higher Education Institution in Shiraz, 229 participants (91 males & 119 females) were selected by simple random sampling method. Data was collected by using the revised version of family communication patterns questionnaire (RFCP), Koerner & Fitz patrik (2002), Beck's Self-concept Test (CST) (1990) and Coping Inventory for Stressful Situations (CISS) Endler & Parker (1990). Data was analyzed using correlation matrix & independent t-test analysis.

Results: According to the result, there was significant correlation between family communication patterns and self-concept with coping styles among male and female students. In the female group, task oriented coping and avoidance oriented coping with conversation orientation and emotion oriented coping with conforming orientation showed positive significant correlation. In male group avoidance orientation coping with conversation orientation and emotion oriented coping with conforming orientation showed positive significant correlation. Also, related to self concept variable, results showed female students task oriented coping and avoidance oriented coping had significant correlation with the self concept variable, but the male students avoidance oriented coping had significant correlation with the self concept variable ($P < 0/05$). Also, the result showed significant difference between two male and female students, in emotion oriented coping, so the female group, emotion oriented coping with (51/48) was more than the orientation within the male group with (48/18), ($p < 0.05$).

Conclusion: Family communication patterns and the concept are effective on coping styles. Therefore, strategies to improve teaching and learning factors in the family, especially for young people is essential.

Key words: Family Communication Pattern, Self-Concept, Coping Style

*Corresponding Author: Taheri R, Department of Consulting, Faculty of Education & Psychology, Islamic Azad University of Marvdasht, Marvdasht, Iran
Email: taheri_ro@yahoo.com